

جنگ با معایب جامعه در صحنه تئاتر

مرگ؛ آخرین نقش زندگی پدر تئاتر ایران



فرزانه قبادی/ تا پیش از آنکه شاه شهید، مزین‌الدوله نقاش باشی دربار را مأمور کند که در دارالفنون نمایش به پا کند و او هم برای اطاعت از اوامر ملوکانه دست به دامن نمایشنامه‌ای از مولیر شود

و نمایشی روی صحنه ببرد، هنر نمایش

در ایران بیشتر محدود به سیاه بازی و روح‌ضی بود. آنچه شاهان قاجار در فرنگ از نمایش و تئاتر دیده بودند، حرکات و داستانی برای سرگرمی و تفریح بود. تئاتر در اروپا اما وجوه دیگری هم داشت که مسافران دربار قاجار چندان به آن توجه نداشتند. موج مشروطه‌خواهی ابعاد دیگری از این هنر را برای جامعه ایران نمایان کرد. تئاترهایی با مضامین اجتماعی که در انجمن اخوت، شرکت علمیه فرهنگ و تئاتر ملی به نمایش در می‌آمد حاصل همین جریان بود. سال ۱۲۹۰ بود که محقق‌الدوله «تئاتر ملی» را که نخستین گروه مستقل نمایش در ایران بود در طبقه فوقانی مطبعه فاروس در خیابان لاله زار تأسیس کرد. عنایت‌الله شیبانی و سید علی نصر از جمله کسانی بودند که با این گروه همکاری داشتند. بعد از آن بود که سیدعلی نصر تبدیل به یکی از افراد تأثیرگذار در تئاتر ایران شد، تا جایی که به او لقب «پدر تئاتر نوین ایران» را دادند. نصر دانش آموخته تئاتر در اروپا بود و به خوبی با اصول هنر تئاتر روز دنیا آشنا بود. او پنج سال بعد از شروع به کار تئاتر ملی، «کمدی ایران»، را با امتیاز رسمی از وزارت معارف تأسیس کرد. گروهی که برای نخستین بار در ایران، تئاتر اصولی و ساختارمند را روی صحنه بردند و از بازیگر زن در نمایش استفاده کردند. سال ۱۳۱۷ که رضاشاه دستور تأسیس «سازمان پرورش افکار» را صادر کرد، سیدعلی نصر که فرد صاحب نفوذی بود توانست مدیریت کمیسوین هنرپیشگی (نمایش) را در این سازمان به عهده بگیرد. هنرستان هنرپیشگی تهران هم به‌عنوان زیرمجموعه این سازمان و با الگوبرداری از کنسرواتوار هنرهای دراماتیک پاریس در همین



سال تأسیس شد. یک سال بعد علی منصور سکان وزارت پیشه و هنر را به دست گرفت و نصر را به‌عنوان معاون خود انتخاب کرد. منصور، که نخست‌وزیر شد، علی نصر به‌عنوان سرپرست وزارتخانه منصوب شد. اما مناصب سیاسی او به اینجا ختم نشد، او لباس دیپلمات‌ها را پوشید و مدتی سفیر ایران در پاکستان و چین شد. در مقطعی هم نماینده ایران در سازمان ملل متحد بود. سال ۱۳۱۹ بود که تماشاخانه تهران در سبزه‌مای گراند هتل با تلاش‌های علی نصر و احمد دهقان شروع به کار کرد. بنایی پر ماجرا که تاریخی از شادی و خشم و حسرت‌ها را در قلب لاله زار تهران پشت سر گذاشته است. بنایی که امروز نه با نام «تماشاخانه تهران» که اغلب با نام «تئاتر نصر» شناخته می‌شود.

نصر به تئاتر تنها به‌عنوان یک هنر نگاه نمی‌کرد، او معتقد بود صحنه نمایش و قلم می‌تواند ابزار مبارزه باشد: «مجاهدین در سنگرها با تفنگ و گلوله برای به دست آوردن آزادی و اصلاح نقایص اجتماعی و تأمین سعادت مردم می‌جنگیدند ولی ما روی صحنه تئاتر به کمک قلم و نمایش به جنگ معایب جامعه رفته بودیم، اما قالب من به من می‌گفت پیروزی ما قطعی‌تر و وسیع‌تر از پیروزی‌های باروت است». چهل سال بعد وقتی خبرنگار روزنامه اطلاعات از او پرسید چهار دهه برای تئاتر ایران زحمت کشیدید حالا نسبت به شرایط فعلی چه احساسی دارید؟ گفت: «هر وقت در مواقع گردش و تنهایی از مقابل در تئاترهای کوچک شهر خودمان می‌گذرم و صدای بلندگوهای آنها را می‌شنوم و ویرین‌های مملو از عکس آنها را می‌بینم، ناگهان دلم از فرط شوق می‌تپد و حس می‌کنم پس از آن روزهای پرمشقت و رنج که بر جمعی از هنردوستان گذشت تا هنر تئاتر در ایران جان گرفت، امروز به منزله نور امید است که قلب‌های ما را روشن می‌کند و یادگار رنج‌های گذشته را از بین می‌برد. در چنین لحظاتی است که به یاد سخنان تولستوی نویسنده بزرگ می‌افتم که در آخرین لحظات حیات گفت: «کوشیدن، جستن، یافتن و هرگز تسلیم نشدن». ۲۶ بهمن ۱۳۴۰ بود که روزنامه‌ها در صفحه نخست خود نوشتند: «سیدعلی نصر؛ پدر تئاتر ایران در گذشت.»

روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسی ۱ مهر

تهیه فیلمی درباره زندگانی حضرت رسول اکرم(ص) در ایالتیا، با اعتراض بسیاری از علما و مراجع ایران رویهرو شد.

۱۳۴۰
1961

۳ مهر

شهرداری تهران خیابان ۴۰ متری عباس آباد را مرز تهران و شمیران اعلام کرد.

۲۲ مهر

هیأت وزیران به یک هیأت انگلیسی اجازه داد در دشت مرغاب پاسارگاد، حفاری‌های باستان‌شناسی برای کشف آثار عتیقه صورت گیرد.

۱۹ آبان

پسپاری از مساجد تهران شاهد مراسم دعای نمازگزاران برای مبارزان استقلال طلب الجزایری در برابر استعمار فرانسه بود.

۲۰ آبان

مائور دریای مشترک ایران، امریکا، انگلیس و پاکستان با نام «میدلینگ چهارم» و در قالب پیمان نظامی ستون در آب های سواحل کراچی آغاز شد. این مائور تا دو هفته ادامه خواهد یافت.

۲۴ آبان

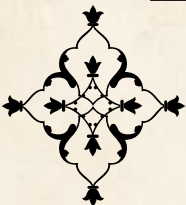
محمدرضا پهلوی فرمانی خطاب به دولت صادر کرد که در آن مواد برنامه جدید اصلاحات تشریح شده بود و دولت امینی موظف به تهیه و تصویب قوانینی درباره انجمن های ایالتی و ولایتی، اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت زمین ها شد. این همان برنامه مورد نظر کندی بود که چند ماه بعد به‌عنوان «انقلاب سفید» و سپس «انقلاب شاه و ملت» شناخته شد.

روزنامه اطلاعات- چهارشنبه دهم آبانماه ۱۳۴۰

۲۸ آبان

در تصادف خونین یک وانت حامل تعداد زیادی کودک و نوجوان با یک قطار در حال حرکت در جنوب تهران ۱۰ کودک کشته و ۳۳ نفر مجروح شدند.

نیمه دوم
۱۳۴۰



■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۴۳۹ ■ چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۹ ■ ۲۰مهرم ۱۴۴۲ ■ ایران قرن هفتاد و دو

تعیید، زندان و سرانجام مرگ

پایان سال ها مبارزه



مدت‌ها در عراق زندگی کرد و زمانی که به تهران رسید سه روز مانده بود به کودتای رضاخانی؛ در خیابان پامنار ساکن شد تا اینکه از همین خیابان زندگی‌اش بار دیگر به سیاست گره خورد. نماینده‌ای فعال در مجلس که مخالف جمهوری رضاخانی بود و بعدها هم چندین بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. پس از شهریور ۱۳۲۰، زمانی که رضاشاه به تبعید رفت، انگلیسی‌ها از علی سهیلی نخست‌وزیر وقت خواستند آیت‌الله را به تبعید بفرستد. کاشانی در ۲۷ خرداد ۱۳۲۳در «کلاب دره» شمیران دستگیر و بازداشت شد و به ۲۸ ماه زندان نیروهای متفقین و نیروهای اشغالگر در رشت، اراک و کرمانشاه رفت. باینکه در زمان انتخابات مجلس چهاردهم در تبعید بود، به نمایندگی مجلس انتخاب شد.

اما به دستور ستاد ارتش متفقین، اسمش از فهرست اسامی نمایندگان مجلس حذف و به زندان روس‌ها در رشت فرستاده شد. در سال ۱۳۲۴ با تلگراف دولت آزاد شد و در ۲۷ شهریور ۱۳۲۴ وارد تهران شد و در ۱۰ ماه بعد در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۵ در پی زدوخوردی که بین کارگران هوادار حزب توده و کارگران مخالف آنها رخ داد کاشانی، مسبب بلوا شناخته و بازداشت شد. دکتر محمد مصدق به‌دلیل بازداشت آیت‌الله به احمدقوام‌السلطنه نخست‌وزیر

بانک اصناف ایران

آخرین روزها و آخرین فرصت برای باز کردن حساب ذخیره بانک اصناف ایران

حضرت آیت الله کاشانی درگذشت



کسالت حضرت آیت‌الله باز هم شدت یافت و برای آخرین بار به بیمارستان دکتر طرفه منتقل شدند، این بار کسالت معظم له شدیدتر از پیش‌بود و ۳۹،۵ درجه تب داشتند. پس از معالجات لازم درجه تب پایین آمد اما ریه‌ها گرفته بود و تنفس آیت‌الله بسختی انجام می‌گرفت و نظر اکثر آقایان پزشکان این بود که حضرت آیت‌الله به ذ‌ال‌ریه سختی مبتلا شده‌اند. بعداز ظهر دپروز تب بالا رفت و نیمه‌شب به ۳۹ درجه و نیم رسید و برای افتادن تب آقا اقدامات زیادی شد اما نتیجه‌ای حاصل نگردید و فشار خون از ۱۵ به ۱۴ رسید. آقا با تب شدیدی که داشتند از نارسایی ریه رنج می‌بردند و بسختی نفس می‌کردند و بالوله اکسیژن تنفس انجام می‌گرفت. تا صبح امروز فشار خون و ضربان قلب خوب و منظم بود ولی در ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه صبح امروز ناگهان فشار خون حضرت آیت‌الله پایین آمد و قلب معظم‌له از کار افتاد.

روزنامه کیهان-چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۴۰

شانزدهم پذیرفت. آن زمان محمد مصدق به‌نخست‌وزیری رسید واولین تقاضایش از دولت آزادی کاشانی بود. کاشانی هم‌بارها برای تأیید دکتر مصدق سخنرانی کرده‌از ملی شدن نفت گفته واز منتقدانش انتقاد کرده‌اوج این همراهی در قیام تیرماه ۱۳۳۱ بود. اگرچه به گفته خیلی‌ها این رفاقت در زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در رقابت بدل شد؛ عوامل کودتا هم به کوره تفرقه می‌دمیدند به امید پیروزی خود در ماه سوزان مرداد۱۳۳۲.

اعتراض کرد. بعدها جمعی له اسمش را در فهرست نامزدهای خود منتشر کردند و از همین‌جا مودت بین دو مرد روحانی و سیاسی برقرار شد، دوستی که کم حاشیه نبود.آیت‌الله کاشانی بار دیگر از زندان به مجلس شورای ملی رفت و در زمان حادثه تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۳۷ او و دامادش را بازداشت و به قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد و سپس به بیروت لبنان تبعید کردند. اما در ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۲۹، وکالت مردم تهران را برای دوره

ازبرعلی حاجوی چگونه به تاریخ پیوست

ماجرای دهقان فداکار

انتظار آنان بود، نداشتند. در این موقع دهقان فداکار که نام وی ریزعلی خواجوی



است هنگام عبور از روی خط، صدای غرش مهیبی شنید که از کوه مجاور «تراش» و تونل هجده راه‌آهن برخاست و لحظه‌ای بعد که روی خود را برگرداند متوجه شد که کوه ریزش کرده و راه را مسدود ساخته است.در این موقع بود که دهقان مزبور فرا رسیدن لحظه عبور قطار را از آن نقطه به‌خاطر آورد و به سرنوشت شومی که در انتظار مسافران قطار و همنوعان خودبود، اندیشید.دهقان فعالیت شدیدی را آغاز کرد.دوی اپتنا به طرف تونل دوید و قنبله فانوس خود را بالا کشید. سپس برای آنکه راننده قطار کاملاً از وقوع حادثه‌باخبر گردد نقشه‌ای طرح کرد. دهقان لباس خود را در آورد و با نفت چراغ دست‌های خود آغشته کرد و با شعله چراغ، آن را آتش زد و به وسیله این مشتعل به راننده قطار مسافری اعلام خطر کرد. خوشبختانه راننده و رئیس قطار متوجه این علامت خطر شدند. راننده بلافاصله دست روی شیر ترمز گذاشت و رئیس قطار دستگیره ترمز خطر را باز کرد و بالاخره قطار مسافری پس از تکان‌های شدیدی که به خود داد از حرکت بازماند.مأموران قطار پیاده شدند و در این موقع بود که تازه متوجه شدند خطر عظیمی سر راه آنها قرار گرفته بود و اگر این اقدام انجام نمی‌شد، قطار پس از اصابت به قطعات بزرگ سنگ‌هایی که از کوه سرازیر شده و در روی خطوط قرار گرفته بود متلاشی می‌شد و عده زیادی از مسافران هلاک می‌شدند.

روزنامه اطلاعات- سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۳۴۰

به سروان فرانسدن دانمارکی سرخلبان

هوایمایی ویژه اس.آ اس تسلیم شد و یک ساعت و بیست دقیقه قبل از موعد مقرر بر فراز قطب شمال به اهتزاز درآمد.... اولین باری است که بدین نحو پرچم ملتی به قطب شمال برده شده و اولین پرچم آسیایی است که بر فراز قطب به اهتزاز در آمده است....



روزنامه کیهان- پنجشنبه ۲ آذر ۱۳۴۰

پرچم ایران بر فراز قطب شمال

ساعت ده و چهل و دو دقیقه بامداد امروز به وقت تهران پرچم ایران بر فراز قطب شمال به اهتزاز در آمد....شرکت هوایمایی اس.آ.اس منتقل شده بود طی پرواز اختصاصی ر کورد سرعت دور جهان، پرچم ایران را به قطب شمال ببرد و برای انجام این امر تاریخی بانو فیروزه یگانگی در ۲۸ آبان به توکیو عزیمت کرد.... روز گذشته طی مراسم باشکوهی در فرودگاه انکورویج در آلاسکا که از برف پوشیده شده بود، پرچم ایران طی مراسم باشکوهی



۳۰ دی

دکتر محمدابراهیم آیتی بعد از دفاع از رساله خود، اولین فارغ‌التحصیل دوره دکتری دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد.

۳ آذر

کارخانه ریسندگی و بافندگی فخر ایران در هشتگرد کرج شروع به کار نمود. این کارخانه متعلق به حاج محمد نمازی بود و تمام ماشین‌آلات آن از ژاپن خریداری شده است.

۶ دی

لاایحه اصلاحات ارضی در مجلس شورای ملی تصویب شد و شاه نیز آن را امضا کرد.

۲۴ اسفند

جمعیت ایران ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر اعلام شد.



۲۸ اسفند

با تشکیل اولین جلسه کمیته مرکزی حزب ملل اسلامی به ریاست سید محمد کاظم موسوی بجنوردی فعالیت مخفی این حزب با در پیش گرفتن مثنی مسلحانه علیه رژیم شاه آغاز شد.